



در برابر زیاده‌خواهی تسلیم نمی‌شویم

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در دیدار با جمعی از صنعتگران و کارآفرینان استان یزد با بیان اینکه ایران همیشه آماده مذاکره با همه کشورها غیر از رژیم صهیونیستی بوده است، گفت: «ما با آمریکا هم مذاکره کردیم، اما آنها در میانه مذاکرات به کشورمان حمله کردند، ما اهل مذاکره هستیم، اما در برابر زیاده‌خواهی‌ها تسلیم نمی‌شویم.» او در ادامه گفت: «آمریکا می‌گوید که ایران شروط آنها را بپذیرد تا مذاکره آغاز شود ولی ما این رویکرد برای مذاکره را نمی‌پذیریم. آمریکا زست حقوق بشری و موافق مذاکره نشان می‌دهد، اما در میانه مذاکرات، حمله کرد تا ایران را تسلیم کند ولی مردم به میدان آمدند و ثابت کردند اهل تسلیم شدن نیستند.»



قطب‌نمای برخی غرب است

احمد مطهری‌اصل، امام‌جمعه تبریز در خطبه‌های نمازجمعه این‌ هفته گفت: «نظارت بر اقتصاد بر عهده دولت و مراکز حکومتی است، دولتمردان باید توجه داشته باشند که معیشت مردم خط قرمز است با کسانی که سوءاستفاده کرده و مردم را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، باید برخورد شود و از دولتمردان تقاضا دارم به کسانی که با گرانی مردم را به زحمت می‌اندازند رسیدگی کنند.» او همچنین گفت: «همه باید قدرت علمی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی را محکم کنیم و همیشه آماده باشیم. اگر کسی به کشور ما چپ نگاه کند، چشم او را در می‌آوریم؛ قطب‌نمای برخی افراد غرب است. از برخی انسان‌ها تعجب می‌کنم شما می‌گفتید رئیس‌جمهور محبوب و باسواد و زحمت‌کش است و اکنون چرا او را تخریب می‌کنید و به دولت محترم توهین می‌کنید؟»



غربی‌ها با خدا قهر کرده‌اند

لطف‌اله دژکام، امام جمعه شیراز در خطبه‌های این هفته نمازجمعه گفت: «اگر باورهای نادرست باشد، رفتارها نیز نادرست خواهند شد مانند نمونه‌هایی از رفتارهای منفی در غرب و کشورهای دیگر که ناشی از بی‌توجهی به خدا و قهر با او است که نتیجه آن ترویج فساد و انحرافات اخلاقی است.» او در ادامه افزود: «غربی‌ها با کنار گذاشتن خدا، به چنین وضعی دچار شده و این قهر منجر به ترویج گناهان و انحرافات جنسی شده است. برای مقابله با این وضعیت، باید به خدا و تقوا روی آورد و مقاومت کرد.» امام جمعه شیراز همچنین گفت: «باید در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن مقاوم باشیم و از عفت و حیا حمایت کنیم، چراکه بی‌عفتی خانواده‌ها و جامعه را دچار آسیب می‌کند و حقوق خانواده‌ها و زنان را نقض می‌نماید. نقش مدیران در کنترل محیط‌های اداری و عمومی در موضوع عفاف و حجاب بسیار لازم و ضروری است و کنترل مسائل اخلاقی و فرهنگی باید جز وظایف مدیران باشد تا امنیت و سلامت جامعه حفظ شود.»

علمیه نطقی ناطق

بررسی حملات تندروها به ریشه‌داران راست سنتی



گروه سیاست: «ناطق نوری سکوتش را شکست؛» انتشار این خبر و مصاحسه‌ای که در اکو ایران با علی‌اکبر ناطق‌نوری، از کهنه‌فعالان سیاسی جناح راست انجام گرفت، بحث‌ها و اظهارنظرهای مختلفی را به‌همراه داشت. بودندتحلیلگرانی که این تصمیم ناطق نوری را به‌فال نیک گرفتند؛ آن هم به دلیل آنکه علت سکوت این چهره سیاسی را بیشتر فاصله گرفتن او از دنیای سیاست با این پیش‌فرض که او به‌دلیل «نبودن گوش شنوا» چنین تصمیمی گرفته‌است، می‌دانستند. البته این نوع نگاه بیشتر در فضای رسانه‌ای اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل و سنتی به وجود آمد. به‌ویژه آنکه ناطق نوری با وجود آنکه چهره‌ای بر خاسته از راست سنتی و عضو جامعه روحانیت مبارز بود و کارنامه فعالیت او همسویی و همراهی با این نوع نگاه را تداعی و تأیید می‌کند؛ اما در این گفت‌وگو از رابطه خویش با هر دو جریان، هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان سخن گفت و تصریح کرد: «در این دیدارها نگاه جناحی ندارم؛ فراجناحی برخورد می‌کنم. برایم مهم نیست طرف‌مقابل اصلاح‌طلب است یا اصولگرا، چپ است یا راست. آنچه را درست می‌دانم،

می‌گویم.» همچنین به انتخابات سال ۱۳۷۶ که شایدمهمترین بزنگاه اختلاف میان او و دوم خردادی‌ها (که حالا با نام اصلاح‌طلب شناخته می‌شوند) بود، اشاره کرد و گفت: «رقیب انتخاباتی من در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶ جناب آقای خاتمی بودند. روز پس از انتخابات که هنوز شمارش آرا تمام نشده بود، اما مشخص بود ایشان پیروز شده‌اند، اولین پیام تبریک را من دادم. فردای آن روز هم با نشاط و آرامش به مجلس رفتم و گفتم: «تا دیروز رقابت بود، از امروز رفاقت است.» به همین دلیل است که بسیاری از دوستان اصلاح‌طلب آن دوران که در دوره‌های مختلف مجلس با من همکار بودند، هنوز لطف و محبت دارند.» البته که این چهره سرشناس اصولگرایی و راست سنتی که در این گفت‌وگو از روزهای انتخابات ۱۳۷۶ و مجلس پنجم یاد کرد؛ اگرچه در آن تقابل راست و چپ کاملاً در جرگه بزرگان راست و نقش آفرینان آن جریان حضور داشت اما از اواخر دهه ۸۰ و در پی رخدادهایی که در سال‌های پایانی آن یعنی در پس انتخابات ۱۳۸۸ و اعتراضات به نتایج انتخابات و در آن دوران تندروی‌ها به وقوع پیوست، رویکرد اصولگرای میانه‌رو را در پیش گرفت. در این بین رادیکال‌های بنیادگرا که در این سال‌ها به مرور در تلاش بودند سکان تصمیم‌گیری در جریان

اصولگرایی را از آن خود کنند و معمولاً از هرگونه خویشتنداری حتی در برابر نظرات سابقون اصولگرایی نیز اجتناب می‌کنند؛ در این سال‌ها نیز از هیچ فرصتی در راستای کم‌رنگ کردن جایگاه سیاستمداران استخواندار، میانه‌رو خود کوتاهی نکردند و حالا هم باردیگر بر همان سیاق سابق در پی این گفت‌وگو وارد عمل شدند.

آنها که فکر می‌کنند حق مطلق هستند

در پی انتشار مصاحبه اخیر ناطق‌نوری و آنجا که او به عملکرد دانشجویان خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و گرفتن سفارت آمریکا انتقاد کرد؛ رادیکال‌های جریان اصولگرایی تویخانه خود را روشن کردند و او را سبیل حملاتشان قرار دادند. ناطق نوری در این گفت‌وگو تصریح کرد: «من معتقدم که از اول، در زمان حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه) که انقلاب پیروز شد، ناپختگی و بی‌تجربگی وجود داشت. ما تجربه کار اجرایی یا مدیریت حکومتی نداشتیم و برخی خطاها از همان آغاز، رخ داد. مثلاً از نظر من، تصرف سفارت آمریکا به‌عنوان «لانه جاسوسی» اشتباه بزرگی بود؛ به‌نظر می‌رسد بسیاری از گرفتاری‌ها از همان نقطه آغاز شد... آنجا را اشغال کردند و آمریکا هم در یک عمل متقابل سفارتخانه ما را گرفت و پول‌های ما را بلوکه کرد. از آن زمان، مجموعه‌ای از مشکلات و واکنش‌ها ادامه پیدا کرد که به نظر من ناشی از همان تصمیمات اولیه بود.» در این راستا خبرگزاری دانشجو، از جمله رسانه‌های این جریان با نقل سخنان سابق ناطق نوری در حمایت از اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان خط امام و همچنین بیان نظرات رهبران انقلاب در این زمینه به تخطئه سوابق و چهره سیاسی او پرداخت و با برتنایلین تغییر نظر این چهره استخواندار و با تجربه راست سنتی چنین نوشت: «نهائناً اینکه عاقبت بر خی چهره‌ها، یادآور قصه‌ی تلخ طلحه و زبیر است؛ روزی در صف اول یاران پیامبر، اما در بزنگاه تاریخ، در برابر حق ایستادند. ناطق نوری هم از آن‌هاست که سال‌ها به نام انقلاب و برکنش بهره برد، اما امروز، همان پدیده‌یای انقلاب را زیر سوال می‌برد. این چرخش نه از روی دشمنی، که بیشتر از جنس

آقای ناطق نوری برای مدت طولانی سکوت اختیار کرده بود و حالا باردیگر گفت‌وگویی از ایشان منتشر شد. فعال شدن ایشان در فضای سیاسی امروز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و چه جایگاهی برای آن متصور هستید؟

است که پس از شکل‌گیری جریان اصلاح‌طلبی از دهه ۷۰، به اصول‌گرایی معروف شدند. در انتخابات هفتمین دوره ریاست‌جمهوری که آقای ناطق‌نوری کاندیدای جناح راست بودند، جریان پیروز در انتخابات که حول آقای خاتمی جمع شده بودند، خود را اصلاح‌طلب معرفی می‌کردند. به موازات شکل‌گیری گفتمان اصلاح‌طلبی، گفتمان اصول‌گرایی سر برآورد. در این دوران، اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی، دو بال و جناح حکمرانی بودند و آقای ناطق نوری همان جایگاهی را در اصول‌گرایان داشتند که آقای خاتمی در جرگه اصلاح‌طلبان. ایشان این جایگاه را تا نیمه‌دوره‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری حفظ نمودند و محور جریان اصول‌گرایی بودند. از سال ۱۳۸۴ و با تمایل ثقل جریان اصول‌گرایی از بخش سنتی و محافظه‌کار به سمت بخش افراطی و بنیادگرا، اصول‌گرایی به روایت آقای ناطق نوری در حاشیه قرار گرفت. پیش‌روی راست افراطی در انتخابات ۱۳۸۸، علاوه بر اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایی سنتی رانیز به‌عنوان دیگری خود تعریف نمود. از این تاریخ به بعد، دوگانه‌ی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی، همچون گذشته امکان توصیف وضعیت سیاسی کشور را نداشت. دوگانه‌ی استثنائگرایی در برابر عادی‌سازی (تعبیر دکتر محمد مهدی مجاهدی) (این وضعیت را به مراتبی شفاف‌تر از گذشته، توصیف می‌کند. بی‌شک فعل شدن چهره‌های سیاسی با اصول و پرنسبب سیاسی بالاضحی آقای ناطق نوری؛ که متخلك به بر جستگی‌های شخصیتی و اخلاق سیاسی هستند و مورد احترام سیاست‌ورزان بر جستته جناح اصلاح‌طلب نیز می‌باشند، می‌تواند به نفع کشور، ملت و نظام حکمرانی باشد.

به امام‌وموثرین در جمهوری اسلامی بود. قبل از انقلاب هم که از مبارزین ضد رژیم پهلوی بود و سوابق روشنی هم دارد. بعدها هم که نماینده مجلس و وزیر کشور شد و یک دوره‌ای هم نماینده امام در جهاد سازندگی بود. در دوران وزارت کشور هم جزء دوره‌های موفق وزارت کشور بود. در سال ۷۶ هم که رقیب آقای خاتمی در انتخابات شد و یکی از ویژگی‌های ایشان در آن مقطع تاریخی، پیام‌تبریکی بود که به آقای خاتمی دادند. زمانی که آقای خاتمی رئیس‌جمهور شد، آقای ناطق رئیس مجلس بود و تلاش زیادی کرد که همه اعضای کابینه آقای خاتمی از مجلس کاملاً اصول‌گرا را ا اعتماد بگیرند. بعدها هم به بازرسی دفتر مقام معظم‌رهبری رفت و در آنجا مشغول بود و همیشه جزء آدم‌های استخوان‌دار جناح اصول‌گرا محسوب می‌شد و به‌خصوص بعد از ۸۸ از افراد معتدل جریان اصول‌گرا بود. در سال‌های اخیر و از وقتی که آقای ناطق سمت حکومتی نداشت، مقداری کناره گرفت. خیلی کم و به‌ندرت دیده می‌شد که آقای ناطق به جایی برود و سخنرانی کند و گرایش‌های متعادل ایشان هم باعث شد که دیدارهایی با آقای کوبی و آقای خاتمی داشته باشد. اینها نشان می‌داد که آقای ناطق با شیوه اعتدالی برگشته است. اگرچه ممکن است الان خیلی به لحاظ عملیاتی تأثیرگذار نباشد، اما به هر حال در فضای سیاسی کشور به‌عنوان یک چهره صاحب‌نام و خوشنام فعال است.

عباس موسایی: برای پاسخ به این پرسش، لازم است به گذشته تقبی بزنیم. ایشان از روحانیون برجسته انقلابی از دهه ۴۰، کادرهای موثر روحانی در ساختار جمهوری اسلامی، از رهبران جناح موسوم به راست



افتاده‌اند. برای مثال در مراسم هفتگی نماز جمعه قبلاً چقدر جمعیت جوان‌ها و نیروهای سیاسی مختلف حضور پیدا می‌کردند اما الان تقریباً همه اینها به نوعی دچار رکود و وضعیتی شده است که خود آقایانی که تربیون دارند هم متوجه هستند. البته گاهی حرف‌های جنجالی می‌زنند و بحث‌های سیاسی را شروع می‌کنند تا به خیالشان بازار خود را داغ کنند. برخی از اینها که الان به‌مواضع آقای ناطق درباره اشغال سفارت می‌تازند وقتی سابقه‌شان را نگاه کنید، نه در انقلاب کارنامه‌ای دارند و نه قبل از انقلاب اهل مبارزه بودند و حالا تریبونی گرفتند و این حرف‌ها را می‌زنند. در حالی که کارنامه آقای ناطق نوری مشخص است و افرادی که پس از انقلاب به اندازه یک درصد از فعالیت‌های آقای ناطق دلسوزی و از خودگذشتگی و اقدامی نداشتند، حالا می‌گویند آقای ناطق دچار گسست شده است. حالا خود آنها دچار چه شده‌اند که این قضاوت‌ها را می‌کنند. در جامعه‌تا حدودی همه آزادند و تربیون‌های مختلف دارند و هرکسی حرف خودش را می‌زند. مردم هم متوجه وقایع هستند و کسانی که به دنبال این مسائل هستند آنقدر فهم‌شان کم نیست که از حوزه تقدس و تربیون‌های مقدس چیزی به آنها تحمیل شود. بخش زیادی از مردم اصلاً اعتنایی به این حرف‌ها ندارند و جوان‌ها و اهل مطالعه در فضای دیگری هستند و بهتر است به این آقایان توصیه شود اگر مسائل دیگر اخلاقی را رعایت نمی‌کنید، توجه داشته باشید که بیش از این احترام خودتان از بین نرود.

محمد مهاجری: آقای ناطق از روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ که امام به ایران آمد، از افرادی بود که کنار امام بود یعنی از اولین روزهای انقلاب، ایشان جزء افراد نزدیک



ناطق نوری در سخنان خود از رابطه خویش با اصلاح‌طلبان در کنار اصولگرایان گفته است. او گفته است: «بسیاری از دوستان اصلاح‌طلب آن دوران که در دوره‌های مختلف مجلس با من همکار بودند، هنوز لطف و محبت دارند...» برداشت و نظراتان درباره این بخش از سخنان ایشان چیست؟

عباس موسایی: با توجه به آنچه در پاسخ به پرسش پیشین آورده شد، اصول‌گرایی آقای ناطق نوری از جنس ایدئولوژیک، منتضلب، جزم‌اندیشانه، نامتعطف و بسته‌نیست. از این رو است که رویه‌ی ایشان، نسبت به تعامل و گفت‌وگو با جریان اصلاح‌طلبی و شخصیت‌های اصلی آن نیز باز ج‌های از گشودگی همراه است. برخلاف افراطیون که فضایی تخصصی و تن‌زاعی بر سیاست، تحمیل می‌کنند، رویکرد امثال آقای ناطق نوری از جنس ایدئولوژیک نیست که به‌منزاعه منتج شود. از طرفی جریان تندرو و ایدئولوژیک، سبیلایت سیاست و لزوم روزآمدسازی را در نمی‌یابد. گفت‌وگور ابرای خود هویت‌سوز قلمداد می‌کند و تنوع و تكثر را به رسمیت نمی‌شناسد. آقای ناطق نوری و محافظه‌کاران سنتی، اما به حکم تجربه و علانیت سیاسی به این مهم واقف شده‌اند که حفظ سنت‌ها و ارزش‌ها و در سطح دیگر حفظ کلیت ساختار و نظم اجتماعی و سیاسی در کشور، نیازمند تن دادن به تغییر و تحولات و روزآمدسازی، گفت‌وگو و به رسمیت شناختن تكثر و تنوع دیگری است.



آقای خاتمی کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری شدند و تلاش کردند برنده شوند اما بعد نیز در اولین تماس ممکن به ایشان تبریک گفتند و نتیجه انتخابات را پذیرفتند و هیچ مخالفت و جنجال و مسئله‌ای درست نکردند. الان هم با یکی از بیشترین کسانی که رفت و آمد و تردد دارد و در مسائل سیاسی و مسائل کشور همفکری دارند، آقای خاتمی و خیلی از رفقای آقای خاتمی و دیگر نیروهای اصلاح‌طلب هستند. این از نظر من ویژگی آقای ناطق است که خط مشی معتدلی دارند؛ در عین حال که خود را جزو روحانیت مبارز و جناح سنتی و مذهبی جامعه می‌دانند.

محمد مهاجری: بخشی از این ماجرا به روحیه شخصی آقای ناطق برمی‌گردد. آقای ناطق آدم ورزشکاری است و آن روحیات ورزشکاری ایرانی را در خودش حفظ کرده است و همین باعث شد که یک حسن خلقی را پیدا کند و این حسن خلق را نه تنها در جناح اصول‌گرا، بلکه در رابطه با اصلاح‌طلبان هم حفظ کرده است. مثلاً در دورانی که ایشان وزیر کشور بود، بر خی استاندارانی که منصوب کرد، از جناح راست هم نبودند که می‌توان مرحوم ترکان را مثال زد.

